

Research Article

From Differences to Co-Becoming: A Phenomenological Analysis of the Lived Experience of Couple Identity in Intercultural Marriages

Leila Emami Kalesar¹, Mohsen Rasouli^{2*}, Kianoush Zahraakar³ & Masoud Gramipour⁴

1. Ph.D. Student, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.
Email: m.rasouli@khu.ac.ir

3. Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Curriculum Studies and Assessment and Measurement, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Abstract

Aim: This study explored how couple identity is formed, transformed, and consolidated in intercultural marriages in Iran.

Method: A qualitative design using interpretative phenomenological analysis was employed. Thirty-three married individuals in Tehran who had experienced intercultural marriage between 2022 and 2024 were selected through purposive sampling. Data were collected via in-depth semi-structured interviews and analyzed following Smith et al.'s protocol.

Results: Analysis yielded 70 initial concepts, 20 subthemes, and four overarching themes: confronting cultural differences; emergence of a fluid couple identity; identity transformation and creation of a shared narrative; and strategies for conflict management and relational cohesion. Couples constructed a shared lifeworld through dialogue, narrative reconstruction, symbolic meaning-making, and psychological boundary-setting.

Conclusion: Couple identity in intercultural marriages is a dynamic, relational, and context-dependent process shaped through engagement with cultural differences. These findings support culturally informed couple counseling interventions that foster dialogue, flexibility, and relational resilience.

Key words: Intercultural Marriage, Couple Identity, Interpretive Phenomenological Analysis

Citation: Emami Kalesar, L., Rasouli, M., Zahraakar, K., & Gramipour, M. (2025). From Differences to Co-Becoming: A Phenomenological Analysis of the Lived Experience of Couple Identity in Intercultural Marriages. *Appl. Psychol* 19 (4):184-212.

از دل تفاوت‌ها: واکاوی پدیدارشناختی تجربه زیسته هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی

لیلا امامی کله‌سر^۱، محسن رسولی^{۲*}، کیانوش زهراکار^۳ و مسعود گرامی‌پور^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه مشاوره دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ایمیل: m.rasouli@khu.ac.ir

۳. استاد گروه مشاوره دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: با افزایش ازدواج‌های بین‌فرهنگی، شکل‌گیری هویت زوجی به‌عنوان سازه‌ای روانی - اجتماعی پیچیده‌تر شده است؛ زیرا این فرایند حاصل تعامل عاملیت زوجین و ساختارهای اجتماعی است. با توجه به خلأ پژوهشی در ایران، این مطالعه با هدف بررسی تجربه زیسته زوج‌های بین‌فرهنگی و تبیین چگونگی شکل‌گیری، تحول و تثبیت هویت زوجی در این روابط انجام شد.

روش: پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی تفسیری انجام گرفت. جامعه پژوهش شامل زنان و مردان متأهل ساکن تهران بود که بین سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ تجربه ازدواج بین‌فرهنگی داشتند. با نمونه‌گیری هدفمند و حداکثر تنوع، ۳۳ مشارکت‌کننده انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق گردآوری و بر اساس پروتکل اسمیت و همکاران (۲۰۰۹) تحلیل شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها به استخراج ۷۰ مفهوم اولیه، ۲۰ زیرمقوله و چهار مقوله اصلی انجامید: مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی، پدیداری هویت زوجی سیال، تحول هویت زوجی و خلق روایت مشترک، و راهبردهای مدیریت تعارض و تحکیم انسجام هویت زوجی. نتایج نشان داد زوج‌ها در مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی، از طریق گفت‌وگوی دیالکتیکی، بازآفرینی روایت زندگی، خلق زبان نمادین و مرزبندی روانی، جهان‌زیست مشترکی را شکل می‌دهند.

نتیجه‌گیری: هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی سازه‌ای ایستا نیست، بلکه فرایندی سیال و زمینه‌مند است که در تعامل مستمر با تفاوت‌ها ساخته و بازسازی می‌شود. چارچوب تحلیلی ارائه‌شده، مبانی نظری مشاوره و آموزش خانواده را تقویت کرده و بر ضرورت مداخلات فرهنگ‌محور با تأکید بر گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری رابطه‌ای تأکید دارد.

کلید واژه‌ها: ازدواج بین‌فرهنگی، هویت زوجی، پدیدارشناسی تفسیری

استناد به این مقاله: امامی کله‌سر، لیلا، رسولی، محسن، زهراکار، کیانوش، و گرامی‌پور، مسعود. (۱۴۰۴). از دل تفاوت‌ها: واکاوی پدیدارشناختی تجربه زیسته هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۹ (۴): ۲۱۲-۱۸۴.

مقدمه

با گسترش جهانی‌شدن و افزایش مهاجرت، ازدواج‌های بین‌فرهنگی در سراسر جهان با افزایش چشمگیری روبرو بوده‌است؛ به‌طوری‌که حدود یک‌سوم ازدواج‌ها را شامل می‌شود و پیش‌بینی می‌شود این روند در آینده نیز تداوم یابد (لیو و همکاران، ۲۰۲۴). در این ازدواج‌ها، همسران دارای پیشینه‌های قومی، نژادی، مذهبی یا ملیتی متفاوت هستند. این تفاوت‌ها می‌توانند هم‌زمان هم منشأ تعارض و هم بستری برای تحول در رابطه زوجی باشند (کیلان، ۲۰۱۳؛ سشادری و گوتیرز، ۲۰۲۴).

اگرچه این روابط از ظرفیت‌هایی همچون غنای فرهنگی و توسعه هوش فرهنگی برخوردارند (لیورمور، ۲۰۲۰)، اما در مقایسه با ازدواج‌های درون‌فرهنگی با چالش‌هایی چندلایه در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی مواجه‌اند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به تفاوت در سبک‌های ارتباطی و انتظارات نقش‌های جنسیتی در سطح فردی؛ مقاومت خانواده‌ها و تعارض ارزش‌ها در سطح خانوادگی؛ و نابرابری ساختاری، کلیشه‌های فرهنگی و مسائل حقوقی در سطح اجتماعی اشاره کرد. این چالش‌ها می‌توانند زمینه‌ساز بروز استرس بین‌فرهنگی، تعارضات زناشویی و افزایش نرخ طلاق باشند (اوه‌لیش و همکاران، ۲۰۲۲؛ حسنی و همکاران، ۱۴۰۳).

در سال‌های اخیر، تمرکز پژوهش‌ها از بررسی چالش‌های روابط بین‌فرهنگی به شناسایی عوامل محافظت‌کننده و تاب‌آوری در این روابط معطوف شده‌است. در این میان، «هویت زوجی» به‌عنوان سازه‌ی روانی- اجتماعی کلیدی مطرح است که با تحکیم انسجام درونی رابطه، گذار از تفاوت‌های فرهنگی به سمت رشد مشترک را تسهیل می‌کند (والش و نف، ۲۰۱۸). نقش این سازه در ارتقای مؤلفه‌های حیاتی رابطه از قبیل تعهد زناشویی (امری و همکاران، ۲۰۲۱)، رضایت از زندگی (نووارا و همکاران، ۲۰۲۰)، مدیریت کارآمد استرس (مریل و عفیفی، ۲۰۱۷) و خودکارآمدی در مواجهه با بحران‌ها (احمد و همکاران، ۲۰۱۷) به‌طور گسترده‌ای مورد تأیید قرار گرفته‌است.

هویت زوجی، تجربه‌ای ذهنی و پویا است که در آن هر یک از همسران، از طریق تعاملات روزمره، تفاوت‌های فردی و فرهنگی با همسر خویش را در ساختار روانی خود ادغام کرده و معناهای مشترک و نقش‌های بازتعریف‌شده‌ای خلق می‌کنند (والش و نف، ۲۰۱۸). این فرایند «ما شدن» در بستر روابط بین‌فرهنگی، حاصل تعامل پویا میان سه سطح روان‌شناختی، رابطه‌ای و اجتماعی- فرهنگی است (فونسکا و همکاران، ۲۰۲۰).

در سطح روان‌شناختی، نظریه گسترش خود (آرون و آرون، ۱۹۹۶) و سبک‌های دلبستگی (بالبی، ۱۹۸۸) به تبیین درونی‌سازی تفاوت‌ها کمک می‌کنند. در سطح رابطه‌ای، نظریه مبادله اجتماعی (تیبو و کلی، ۱۹۵۹) و روایت‌درمانی (وایت و اپستون، ۱۹۹۰) چارچوبی برای بازسازی

انسجام رابطه فراهم می‌سازند. در سطح اجتماعی-فرهنگی نیز نظریه هویت اجتماعی (تاجفل و ترنر، ۱۹۷۹) و انطباق بین فرهنگی (بری، ۱۹۹۷) نقش فشارهای اجتماعی و راهبردهای تلفیقی را در شکل‌گیری هویت زوجی برجسته می‌کنند. این چارچوب نظری در بافت چندقومیتی ایران، که در آن هویت‌های جمعی بر هویت فردی تقدم دارند، می‌تواند ابعاد پیچیده‌تری به خود بگیرد. در جوامع غربی، پژوهش‌های گسترده‌ای پیرامون هویت زوجی در ازدواج‌های بین فرهنگی صورت گرفته است. به عنوان نمونه، استپکوفسکا (۲۰۲۱) به بررسی هویت زوجی در میان زوج‌های دوزبانه پرداخته و چگونگی تعامل زبان و هویت زوجی را تحلیل کرده است. سی‌راری (۲۰۲۲) نقش فشارهای اجتماعی و فرهنگی را در شکل‌گیری و تحول هویت زوجی در روابط بین فرهنگی مورد مطالعه قرار داده است. همچنین، مایر (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر هویت زوجی بر راهبردهای مقابله‌ای زوج‌ها در مواجهه با چالش‌های فرهنگی پرداخته است. در همین راستا، سو (۲۰۲۳) با انجام یک فراتحلیل جامع بر ۴۷ مطالعه، نشان داده است که هویت زوجی نقش مهمی در تعدیل تنش‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی ایفا می‌کند.

با وجود پیشینه‌ای غنی در زمینه مطالعات مربوط به هویت زوجی در ازدواج‌های بین فرهنگی، تمرکز عمده این پژوهش‌ها بر جوامع غربی بوده و به بررسی این پدیده در جوامع غیرغربی کمتر پرداخته شده است (کومار و سینگ، ۲۰۲۲). این در حالی است که هویت زوجی مفهومی زمینه‌مند است که در بستر ساختارهای اجتماعی، تاریخی و معنایی هر جامعه شکل می‌گیرد (چیمپن-لوپز و همکاران، ۲۰۲۱).

از این رو، ضرورت انجام پژوهش‌های بومی در این حوزه به‌ویژه در بافت‌های فرهنگی چندقومیتی مانند ایران بیش از پیش احساس می‌شود، به خصوص در کلان‌شهرهایی مانند تهران که تمرکز جمعیت‌های فرهنگی گوناگون قومی، دینی و زبانی، افزایش این نوع ازدواج‌ها را تسریع و چالش‌های فرهنگی را برجسته‌تر ساخته است (زلفی، ۱۴۰۳).

با وجود انجام پژوهش‌های ارزشمندی در دهه اخیر در ایران پیرامون موضوع هویت زوجی از جمله بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت زوجی (زمانی‌فر، ۱۳۹۷)، مطالعه الگوی تحول «مایه» در زوج‌های موفق (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۹)، تحلیل الگوهای هویت زوجی زنان (میرکاظم و همکاران، ۱۴۰۳)، و اعتباریابی ابزارهای سنجش «ما بودن» (افشانی و یوسفی، ۱۴۰۳) وجه فرهنگی این پدیده همچنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

به‌طور خاص، نقش فرهنگ در شکل‌گیری و تحول هویت زوجی، به‌ویژه در زمینه ازدواج‌های بین فرهنگی، تاکنون به‌صورت نظام‌مند و عمیق بررسی نشده است. این در حالی است که

ازدواج‌های بین‌فرهنگی با ایجاد بستری پیچیده و چندلایه برای تعاملات زوجی، ضرورت پرداختن به ابعاد فرهنگی هویت زوجی را دوچندان می‌سازند.

بنابراین، پرسش‌های بنیادینی در این حوزه همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند: زوج‌های بین‌فرهنگی چگونه تفاوت‌های فرهنگی خود را در مسیر ساختن «ما»ی مشترک مدیریت می‌کنند؟ این هویت نوپا در مواجهه با هویت‌های فرهنگی ریشه‌دار پیشین چه معنا و کارکردی برای آنان دارد؟ و بافت اجتماعی- فرهنگی ایران چه نقشی در تسهیل یا بازدارندگی این فرایند ایفا می‌کند؟

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری، برای نخستین‌بار در ایران به واکاوی عمیق تجربه زیسته هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی پرداخته است. این رویکرد، با تمرکز بر روایت‌های فردی و زمینه‌مند، امکان نفوذ به لایه‌های پنهان معنا، تضادها و پیچیدگی‌های روابط زوجی را فراهم می‌آورد و به‌جای تحمیل چارچوب‌های نظری از پیش تعیین‌شده، به زوج‌ها اجازه می‌دهد تا روایت خود را از «ما شدن» در دل تفاوت‌های فرهنگی بیان کنند.

هدف این مطالعه با تمرکز بر زمینه فرهنگ بومی و بهره‌گیری از رویکرد کیفی برای کشف لایه‌های پنهان تجربه زوجی، کمک به افزایش تولید دانش بومی و زمینه‌مند درباره چگونگی تجربه و تفسیر هویت زوجی در بستر تفاوت‌های فرهنگی است؛ دانشی که می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات مشاوره‌ای فرهنگ‌محور، آموزش‌های بین‌فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های حمایتی در نهادهای مرتبط باشد.

پرسش بنیادین این پژوهش چنین است: هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی در ایران چگونه تجربه و معناسازی می‌شود؟

روش

با توجه به ماهیت کیفی و اکتشافی پرسش پژوهش، این مطالعه از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری بهره گرفته است. این رویکرد امکان تمرکز بر تجربه زیسته افراد و تفسیر آن در بستر اجتماعی- فرهنگی را فراهم می‌سازد و برای فهم عمیق از فرایندهای درونی و معناسازی زوج‌ها در زمینه ازدواج‌های بین‌فرهنگی، روشی مناسب و کارآمد محسوب می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش را زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران تشکیل دادند که در بازه زمانی سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ تجربه ازدواج بین‌فرهنگی داشته‌اند. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با رویکرد حداکثر تنوع انجام شد تا نماینده‌ای از طیف گسترده‌ای از قومیت‌ها، زبان‌ها، مذاهب و سبک‌های زندگی در نمونه لحاظ شود.

ملاک ورود به مطالعه شامل داشتن حداقل دو سال زندگی مشترک بود، این بازه زمانی، طبق نظر درایور (۲۰۰۵)، برای شکل‌گیری رابطه زوجهی و امکان گفت‌وگو درباره روند آن کافی است و زمینه بررسی اشتراکات و تفاوت‌های دیدگاه‌های زوجین را فراهم می‌سازد (لوردس و دلگادو، ۲۰۱۲). ملاک خروج، تصمیم قطعی برای طلاق یا جدایی بود.

به‌منظور تکمیل نمونه و دستیابی به اشباع نظری، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی در کنار انتشار فراخوان در شبکه‌های اجتماعی استفاده شد. در مرحله اصلی، با ۱۴ زوج (۲۸ نفر) مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به صورت انفرادی و جداگانه با هر یک از همسران انجام گرفت تا امکان بررسی مستقل دیدگاه‌های فردی در بستر رابطه زوجهی فراهم شود. پس از رسیدن به اشباع نظری، برای اطمینان از عمق و تنوع تجارب، مصاحبه‌های تکمیلی با سه زن و دو مرد دیگر نیز صورت پذیرفت. در مجموع، داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه با ۳۳ نفر شامل ۱۷ زن و ۱۶ مرد گردآوری شد. داده‌های مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ذیل ارائه شده‌است:

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	تعداد	سن	پیشه	تحصیل	دوره ازدواج (سال)	وضعیت اشتغال	محل سکونت	تعداد فرزندان
۱	زن	۲	۱۷	خانه‌دار	کارشناسی	۵۱	۴۳	بابل، مازنی	۱۷
۲	زن	۰	۷	مدیرعامل	کارشناسی ارشد	۴۰	۳۵	گلپایگان، فارس	۷
۳	زن	۱	۱۷	خانه‌دار	دیپلم	۴۹	۳۹	اورمیه، ترک	۱۷
۴	زن	۱	۱۵	دارخانه	دیپلم	۴۰	۳۹	همدان، فارس	۱۵
۵	زن	۰	۳	پزشک	دکتر	۳۳	۳۱	تفاوت، گنبد، مازنی	۳
۶	زن	۴	۱۴	خانه‌دار	کمتر از دیپلم	۴۱	۴۱	گلپایگان، لر	۱۴
۷	زن	۲	۳۴	خانه‌دار	دیپلم	۵۹	۵۴	یزد، فارس	۳۴
۸	زن	۲	۱۸	کارمند	کارشناسی ارشد	۵۸	۴۴	ایلام، کرد	۱۸
۹	زن	۰	۳	کارمند	کارشناسی ارشد	۳۲	۳۱	یزد، فارس	۳
۱۰	زن	۱	۱۲	خانه‌دار	کارشناسی ارشد	۳۳	۳۷	اصفهان، فارس	۱۲
۱۱	زن	۰	۹	خانه‌دار	کارشناسی ارشد	۳۴	۳۲	مسجد سلیمان، لر	۹

19.

ابزار

۱) پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: این ابزار شامل مجموعه‌ای از سؤالات برای گردآوری اطلاعات پایه‌ای مشارکت‌کنندگان بود؛ از جمله سن، جنسیت، پیشینه قومی، سن همسر، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان.

۲) مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق: در این پژوهش، ساختار مصاحبه با هدف دستیابی به داده‌هایی عمیق، معناساز و مرتبط با تجربه زیسته هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی طراحی شد. تدوین چارچوب مصاحبه به‌صورت مرحله‌ای و با مشارکت متخصصان حوزه روان‌شناسی خانواده، اساتید راهنما و خود مشارکت‌کنندگان انجام گرفت. در مرحله نخست، دو مصاحبه آزمایشی با افراد واجد شرایط صورت گرفت و متن آن‌ها به‌طور کامل پیاده‌سازی شد. سپس با دریافت بازخورد از متخصصان و مشارکت‌کنندگان، ساختار مصاحبه اصلاح و نهایی گردید. پروتکل نهایی شامل مجموعه‌ای از پرسش‌های باز و اکتشافی بود که حول سه محور اصلی سازمان‌دهی شد: تصمیم‌گیری برای ازدواج با وجود تفاوت‌های فرهنگی، چگونگی شکل‌گیری هویت زوجی و تجربه‌هایی که احساس «ما بودن» را تقویت کرده‌اند.

در جریان مصاحبه‌ها، از پرسش‌های کاوش‌گرانه برای تعمیق معنا استفاده شد و در پایان هر مصاحبه، پرسش تکمیلی «آیا نکته‌ای باقی مانده است که مایل باشید درباره آن صحبت کنید؟» مطرح گردید تا از جامعیت داده‌ها اطمینان حاصل شود. مصاحبه‌ها به‌صورت فردی و در فضایی آرام، عمدتاً در کلاس‌های خالی دانشگاه، انجام شد و هر جلسه بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان ضبط و به‌صورت کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شدند.

تحلیل داده‌ها هم‌زمان با گردآوری صورت گرفت و کدگذاری در سه مرحله توصیفی، تفسیری و ادغامی انجام شد. پس از هر مصاحبه، کدهای اولیه استخراج و بر اساس شباهت‌های معنایی، کدهای محوری و در نهایت مقوله‌های اصلی شکل گرفتند. در مواردی که ابهام یا نقص اطلاعات وجود داشت، مصاحبه‌های پیگیری برای تکمیل داده‌ها انجام شد.

اعتبار و پایایی پژوهش

به‌منظور سنجش اعتبار و پایایی یافته‌های این پژوهش، از چارچوب کیفی کرفتینگ (۲۰۱۴) استفاده شد. برای تأمین باورپذیری و اعتبار درونی، علاوه بر انتخاب روش تحقیق متناسب با

ماهیت پدیده مورد مطالعه، طراحی دقیق مصاحبه‌ها و تحلیل تفسیری یافته‌ها، از تکنیک بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان نیز استفاده گردید که طی آن پانزده تن از مشارکت‌کنندگان یافته‌های استخراج‌شده را با تجربه زیسته خود مقایسه و مورد تأیید نهایی قرار دادند. همچنین به کارگیری سؤالات تکراری در مصاحبه‌ها به روشن‌سازی مفاهیم و شناسایی تناقض‌های احتمالی کمک نمود. قابلیت انتقال‌پذیری از طریق ارائه توصیفات مبسوط از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان، محیط اجرای پژوهش، راهنمای پرسش‌ها و فرایند تحلیل داده‌ها حاصل شد. قابلیت اتکاپذیری پژوهش با مستندسازی دقیق همه مراحل تحقیق شامل کدگذاری، دسته‌بندی مقوله‌ها و فرایند اعتبارسنجی فراهم گردید. در نهایت، قابلیت تأییدپذیری یافته‌ها از طریق مشورت با هم‌تایان و بهره‌گیری از نظرات متخصصان روش کیفی در مراحل کدگذاری و تحلیل تفسیری محقق شد.

یافته‌ها

تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد شکل‌گیری هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی فرایندی پویا و دیالکتیکی در میدان تنش بین تفاوت‌های فرهنگی و عاملیت زوجها است. این فرایند از طریق چهار مقوله اصلی تبیین شد:

(۱) **مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی؛ چالش‌های بنیادین و میدان تعامل:** یافته‌ها نشان داد مواجهه با تفاوت‌های بنیادین فرهنگی در زندگی روزمره، به‌ویژه در مراحل اولیه زندگی مشترک، اصلی‌ترین چالش گزارش شده است. این تفاوت‌ها در غیاب مهارت‌های ارتباطی و انعطاف‌پذیری فرهنگی، اغلب به کاهش صمیمیت و افزایش تنش منجر می‌گردید. این مقوله شامل چهار زیرمقوله است:

۱.۱. ساختارهای نمادین در مناسک فرهنگی و الگوهای روزمره: تفاوت در اجرای آیین‌ها و هنجارهای روزمره، به ویژه زمانی که برای یکی از طرفین غیرمنتظره و غافلگیرکننده باشد، می‌تواند احساس سردرگمی، شگفتی و حتی طردشدگی را برانگیزد. این اختلافات عمدتاً در دو حوزه برجسته شد:

آیین‌های فرهنگی در مناسبت‌های خاص: تفاوت در شیوه‌های برگزاری مراسمی چون عروسی، اعیاد و سوگواری، هنگامی که در تقابل مستقیم با انتظارات عمیق فرهنگی یکی از همسران قرار می‌گیرد، می‌تواند به بحران‌های تعاملی جدی بینجامد.

رسوم جاری زندگی روزمره: ناهمگونی در ترجیحات غذایی، آداب مهمان‌پذیری و سبک‌های گذران اوقات فراغت، در صورت فقدان گفت‌وگوی سازنده، به سوءتفاهم‌های مکرر و احساس نادیده گرفته شدن هویت فرهنگی منجر می‌شود.

این وضعیت، مصداق «شوک فرهنگی خرد» در روابط زوجی است؛ حالتی که فرد در محیطی انتظار حمایت دارد، ناگهان با الگوهای رفتاری کاملاً ناآشنا روبرو می‌شود. به عنوان مثال، مشارکت‌کننده ۸ گزارش می‌کند: «در مراسم فوت پدر همسر من ... از نحوه سوگواری خانواده همسر من متعجب ... شوکه شدن من باعث سوءتفاهم شد.»

۲.۱. پیوندهای اعتقادی؛ تعارض در سطوح معنایی و هنجاری: ناهمسانی‌های دینی و مذهبی، فراتر از حیطه اعتقادات فردی، بر ابعاد گسترده‌ای از زندگی مشترک تأثیر می‌گذارد. این تعارضات در دو سطح مشاهده شد:

باورها و تعهدات بنیادین: پیروی همسران از دین یا مذهب متفاوت، حتی با آگاهی پیشین، به دلیل اختلاف در تعهد دینی، انجام مناسک و استفاده از نمادهای مذهبی، می‌تواند به تعارض بیانجامد. مشارکت‌کننده ۷ می‌گوید: «هیچ‌وقت نتوانستم جلوی همسر من دعا کنم یا اعمال دینیم رو انجام بدم»

جهت‌گیری و التزام عملی مذهبی: تفاوت در سطح پایبندی به مناسک، نوع پوشش و قواعد تعامل اجتماعی (مانند ارتباط با جنس مخالف)، به کرات زمینه‌ساز تنش بوده است. مشارکت‌کننده ۲۸: «در دوره‌های ما، دست دادن بین اقوام ما عادی، ولی این مسئله برای همسر من پذیرفتنی نیست ...»

۳.۱. تفاوت‌های زبانی و شیوه‌های ارتباطی؛ شکاف در انتقال معنا: اختلاف در نظام‌های زبانی و سبک‌های ارتباطی، در سه لایه، موجب گسست در درک متقابل همسران شده است:

هم‌فهمی کلامی: سوءتفاهم‌های ناشی از تفاوت در دلالت‌های معنایی واژگان و همچنین شوخی‌های فرهنگی نامتناسب، به کانون اختلاف تبدیل شده‌اند. مشارکت‌کننده ۱: «تحفه در فرهنگ من یعنی هدیه ارزشمند، اما برای خانواده همسر من معنای منفی داشت.»

هم‌فهمی تعاملی: تفاوت در سبک‌های ارتباطی و تنظیم هیجانی (مانند میل به تنهایی در مقابل نیاز به گفت‌وگو) باعث سوءبرداشت‌های رفتاری شده است. مشارکت‌کننده ۲۱ بیان می‌کند: «وقتی ناراحتم، ترجیح می‌دم تنها باشم ... همسر من فکر می‌کرد می‌خوام از او فاصله بگیرم»

هم‌فهمی غیرکلامی: تفاوت در تفسیر نشانه‌های بدنی مانند تماس چشمی، حرکات دست و حالات چهره، به شکل‌گیری برداشت‌های نادرست کمک کرده است. مشارکت‌کننده ۲۸: «همسرم اهل جنوبه ... با دست زیاد اشاره می‌کنه، من اوایل فکر می‌کردم داره بحث می‌کنه ...»

۴.۱. سازوکارهای اجتماعی و خانوادگی؛ فشارهای برون سیستمی: فشار نهادهای اجتماعی و خانواده گسترده، استقلال و یکپارچگی رابطه زوجی را به چالش کشیده است. این فشارها در دو محور اصلی اعمال شده‌اند:

قضاوت و طرد اجتماعی: مواجهه با نگرش‌های قوم‌گرایانه، طرد شدن یا عدم تأیید ازدواج، به احساس تبعیض و بی‌عدالتی در مشارکت‌کنندگان دامن زده است. مشارکت‌کننده ۱۵ می‌گوید: «من ترکم و عروس اول شمالی، عروس وسطی از اقوام خودشونه، نگاه خانواده همسرم هیچ وقت به ما سه نفر یکسان نبوده ...»

انتظارات و مداخلات خانوادگی: پایبندی اجباری به نقش‌های جنسیتی سنتی، الزام به مشارکت در تمام آیین‌های خانوادگی و مداخله در تصمیم‌گیری‌های مستقل مشارکت‌کنندگان (مانند محل سکونت یا سبک تربیت فرزند)، منابع عمده تعارض بوده‌اند. مشارکت‌کننده ۱۱ اظهار می‌دارد: «خانواده همسرم انتظار دارن در همه مراسم‌هاشون ما شرکت کنیم ...»

این چهار حوزه، بستر اولیه و چالش‌برانگیز شکل‌گیری رابطه را ترسیم می‌کنند؛ میدانی که موفقیت یا شکست راهبردهای بعدی مدیریت تعارض و تحول هویت در آن آزموده می‌شود.

۲) پدیداری هویت زوجی سیال؛ شدن پیوسته یک «ما»ی مشترک: یافته‌های پژوهش، فرایند پویا و روان‌شناختی شکل‌گیری، تحول و تثبیت هویت زوجی در بستر ادغام تفاوت‌های فرهنگی را نشان داد. هویت مشترکی که محصولی نهایی و ایستا نیست، بلکه فرایندی سیال، مستمر و «در حال شدن» است که در آن مفهوم «ما بودن» به‌صورتی تدریجی و متأثر از زمینه‌های فرهنگی- اجتماعی ساخته و بازساخته می‌شود. این فرایند پیچیده در سه زیرمقوله قابل تحلیل است:

۱.۲. بازتعریف «ما» در رابطه زوجی؛ از تقابل تا تلفیق: مشارکت‌کنندگان از طریق تعاملی پیوسته، مسیری از هویت‌های فردی و فرهنگی مجزا را به سمت آفرینش یک هویت زوجی منحصربه‌فرد طی می‌کنند. این گذار از طریق سه محور کلیدی محقق می‌شود:

مذاکره فعال به‌جای اجتناب: زوج‌های موفق، تفاوت‌ها را نه به‌عنوان تهدید، بلکه به‌مثابه موضوعی برای گفت‌وگو و یادگیری می‌پذیرند. این رویکرد گفت‌وگومحور بستر ساز درک متقابل

عمیق‌تر می‌شود. مشارکت‌کننده ۱۴ خاطرنشان می‌کند: «نشستیم با هم صحبت کردیم ... فهمیدیم چقدر دیدگاه‌ها مون فرق داره و باید درباره‌ش حرف بزنیم تا بتونیم کنار بیایم.»

ادغام یا مقاومت فرهنگی: دو راهبرد کلیدی در مواجهه با تفاوت‌ها قابل مشاهده است: ادغام انتخابی (پذیرش و تلفیق عناصر فرهنگی یکدیگر) و مقاومت هویتی (تأکید بر حفظ مرزهای فرهنگی خویش). انتخاب هر راهبرد، بر پویایی رابطه تأثیر می‌گذارد. مشارکت‌کننده ۱۶ نمونه مقاومت را اینگونه بیان می‌کند: «همسرم ترجیح می‌ده مکالمات خانوادگی‌مون به زبان ترکی باشه هر چقدرم اعتراض می‌کنم، میگه "تو زبون ترکی رو یاد بگیر."»

بازتعریف مفاهیم بنیادین رابطه: مفاهیم کلیدی مانند تعهد، وفاداری، نقش‌های جنسیتی و شیوه‌های تصمیم‌گیری، در بستر تعامل بین فرهنگی معنای مجدد می‌یابند تا انعطاف‌پذیر و پاسخگو به شرایط نوین باشند. مشارکت‌کننده ۲۵ توضیح می‌دهد: «برای حفظ رابطه‌مون، فهمیدم که باید یکسری از رفتار و باورهام رو عوض کنم، همون‌طور که همسرم این کارو می‌کنه ...»

۲.۲. تجربه هم‌هویتی؛ چالش‌ها و دستاوردهای یکپارچگی: شکل‌گیری هویت زوجی، فرایندی خطی و بدون چالش نیست. یافته‌ها نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان در مسیر تجربه «هم‌هویتی» با چالش‌هایی چندبعدی مواجه می‌شوند:

بعد فرهنگی: مشارکت در آیین‌ها و پذیرش متقابل عناصر فرهنگی، به تدریج به شکل‌گیری یک هویت تلفیقی می‌انجامد که گاه برای دیگران شگفت‌آور است. مشارکت‌کننده ۲۳: «خیلی وقت‌ها اطرافیان با تعجب می‌پرسن: "واقعاً ترک نیستی؟!!"»

بعد روان‌شناختی: مشارکت‌کنندگان اغلب میان وفاداری به هویت فردی/قومیتی خود و پیوند با هویت جمعی جدید نوسان و تعارض درونی را تجربه کرده‌اند. مشارکت‌کننده ۲۴ این تنش را بیان می‌کند: «انگار بین دو دنیا گیر افتادم ... نه دلم می‌خواد از باورهای خودم دل بکنم، نه می‌خوام همسرمو ناراحت کنم.»

بعد اجتماعی: فشارها و انتظارات بیرونی از سوی خانواده یا جامعه گسترده‌تر، بر چگونگی ابراز هویت زوجی تأثیر گذاشته و گاه موجب سانسور خود می‌شود. مشارکت‌کننده ۲۸ می‌گوید: «نمی‌دونم باید خودم باشم یا نه ... مجبورم خودمو سانسور کنم.»

۳.۲. بازنگری در نقش‌های زوجی؛ به سوی الگوهای انعطاف‌پذیر: تفاوت در انتظارات فرهنگی از نقش‌های زن و مرد، مشارکت‌کنندگان را ناگزیر به بازاندیشی در الگوهای سنتی و

حرکت به سمت تعریف‌های انعطاف‌پذیرتر و برابری‌طلبانه‌تر می‌کند. این تحول در چهار حوزه رخ می‌دهد:

نقش‌های جنسیتی: بازتعریف مسئولیت‌ها بر اساس توافق دوطرفه، به جای پیروی صرف از الگوهای فرهنگی ازپیش‌تعیین‌شده. مشارکت‌کننده ۳۳ مثال می‌زند: «عرب‌ها می‌گن زن نباید بره سر کار، ولی خانوم من می‌گه هر وقت لازم باشه برای کمک به زندگی، منم کار می‌کنم.»

نقش‌های ارتباطی: یادگیری متقابل سبک‌های بیانی و مدیریت تعارض، منجر به خلق زبان ارتباطی مشترک می‌شود. مشارکت‌کننده ۲۲ توضیح می‌دهد: «... تونستیم زبان ارتباطی یکدیگر را بشناسیم و به آن احترام بگذاریم.»

نقش‌های اقتصادی: تفاوت در نگرش به امور مالی (پس‌انداز، مصرف، مدیریت) مستلزم بازتعریف مسئولیت‌ها و توافق‌های مالی است. مشارکت‌کننده ۹ می‌گوید: «مدتی سر این موضوع با هم بحث داشتیم، ولی حالا دیگه من مدیریت مالی خونه رو به‌عهده گرفتم.»

نقش‌های والدگری: تلفیق دیدگاه‌های تربیتی و رسیدن به سبک فرزندپروری مشترک که خطوط قرمز هر دو طرف را محترم می‌شمارد. مشارکت‌کننده ۳۲ می‌گوید: «توافق کردیم سبک تربیتی اون بیشتر توی خونه اجرا بشه، البته با رعایت خط قرمزهای من.»

در مجموع، پدیداری هویت زوجی سیال، حاصل کنش و واکنش دیالکتیکی میان وفاداری به گذشته فرهنگی و نیاز به ساختن آینده‌ای مشترک است. این فرایند، نه با حذف تفاوت‌ها، بلکه با بازتعریف خلاقانه مرزها و نقش‌ها در قالبی انعطاف‌پذیر و پویا محقق می‌شود.

۳) تحول هویت زوجی و خلق روایت مشترک: آفرینش یک واقعیت نوین فرهنگی:

یافته‌ها نشان داد راهبردهای فعال، خلاقانه و معناساز مشارکت‌کنندگان در مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی، نه تنها به سازگاری می‌انجامد، بلکه به خلق یک «واقعیت مشترک نوین» منجر می‌شود. این فرایند پویا که در بطن تعاملات روزمره شکل می‌گیرد، نشان‌دهنده عبور از انفعال به سمت آفرینش‌گری در رابطه است و در سه زیرمقوله صورت‌بندی می‌شود:

۱.۳. معنابخشی به رابطه؛ روایت‌سازی و انسجام هویتی: همسو با چارچوب نظری «روایت‌درمانی» وایت و اپستون (۱۹۹۰)، یافته‌ها نشان داد مشارکت‌کنندگان از طریق تلفیق و بازآرایی عناصر فرهنگی، موفق به خلق روایتی منحصربه‌فرد و منسجم از زندگی مشترک خود شده‌اند. این فرایند روایت‌سازی در پنج بعد به تحکیم هویت زوجی انجامیده است:

روایت‌سازی منسجم: مشارکت‌کنندگان با بازاندیشی در تجارب گذشته، روایتی پیوسته و معنادار از زندگی مشترک خود می‌سازند. مشارکت‌کننده ۱۲ بیان می‌کند: «گاهی که خاطرات گذشته را مرور می‌کنیم ... حس می‌کنیم چقدر تغییر کردیم و چقدر با هم ساختیم.»

بازتعریف تجارب: تفسیر مجدد رویدادهای چالش‌برانگیز در پرتو درک فرهنگی جدید، به تحول مثبت هویت زوجی می‌انجامد. مشارکت‌کننده ۸ توضیح می‌دهد: «تفاوت‌هامون رو پذیرفتیم و کنار هم موندیم، این از هر رسم و آیینی ارزشمندتره.»

انسجام روانی: رابطه به کانونی برای تبادول و تقویت عاطفی تبدیل می‌شود. مشارکت‌کننده ۲۳ می‌گوید: «همسرم شرایطمو خوب می‌فهمید ... همین رفتاراش بهم حس آرامش می‌داد.»

شکل‌گیری هویت زوجی: تجربه‌های اشتراکی، حس قوی «ما بودن» را پایه‌ریزی می‌کند. مشارکت‌کننده ۲۲ خاطرنشان می‌سازد: «هر چی می‌گذره، بیشتر شبیه هم می‌شیم ... واقعاً یکی شدیم ...»

تاب‌آوری رابطه‌ای: پیوند عاطفی در مواجهه با فشارهای درونی و بیرونی، عاملی کلیدی در پایداری رابطه است. مشارکت‌کننده ۳۱ مثال می‌زند: «همسرم با وجود فشارهای خانواده‌اش برای برگزاری عروسی طبق رسومشون، کنارم بود ...»

این بازسازی روایی، در نهایت ابزاری کارآمد برای وحدت‌بخشی به تجربه زیسته و شکل‌گیری هویت زوجی منسجم در روابط بین‌فرهنگی فراهم می‌آورد.

۲.۳. معناسازی در رابطه؛ ابداع یک نظام ارتباطی فرازبانی: مشارکت‌کنندگان در جریان تعاملات روزمره، به تدریج موفق به توسعه نوعی نظام ارتباطی منحصربه‌فرد شده‌اند که فراتر از زبان گفتاری صرف عمل کرده و نقش مؤثری در عبور از موانع زبانی و تقویت صمیمیت ایفا می‌کند. این نظام در سه سطح قابل مشاهده است:

روابط بین‌فرهنگی: مشارکت‌کنندگان با تلفیق آگاهانه عناصر زبانی، آیینی و رفتاری از هر دو فرهنگ، شیوه‌های تعاملی جدیدی می‌آفرینند. مشارکت‌کننده ۲۵ شرح می‌دهد: «من و همسرم در گفتگوهای روزمره‌مون گاهی از اصطلاحات کردی و ترکی استفاده می‌کنیم ... درباره سنت‌ها و آداب و رسوم‌مون با هم صحبت می‌کنیم و این موضوع برای هر دوی ما جذابه.»

زبان نمادین: ارتباط غیرکلامی و استفاده از نمادها، نشانه‌ها و آیین‌های فرهنگی، به ابزاری غنی برای انتقال معنا و تقویت پیوند عاطفی برای مشارکت‌کنندگان بدل شده است. مشارکت‌کننده ۲۰: «همیشه برای عذرخواهی یا تشکر برای همسرم آهنگی محلی خودشون رو

می‌فرستیم ... بین ما به زبان خاص ساخته، که خیلی عمیق‌تر از کلمات حس‌مون رو منتقل می‌کنه.»

تفاهم: مشارکت‌کنندگان به درکی فراتر از کلمات، از احساسات، نیازها و جهان‌درونی یکدیگر دست یافته‌اند. مشارکت‌کننده ۱۸: «کم‌کم یاد گرفتیم که گوش بدیم، حرف بزنینم و همدیگه رو قضاوت نکنیم ... حالا دیگه به نگاه یا به جمله‌ی ساده کافیه که بفهمیم طرف چی می‌خواد بگه.»

۳.۳. معناپردازی نمادین: بازنمایی فرهنگی منحصر به فرد در عمل: مشارکت‌کنندگان از طریق کاربرد نمادها و ایجاد مناسک، فضای مشترکی منحصربه‌فرد خلق می‌کنند که مختص رابطه زوجی آنان است. این فرایند معناسازی نمادین در پنج بعد متجلی می‌شود:

ایجاد مناسک مشترک: رفتارهای نمادین تکراری، به سنگ‌بنای هویت زوجی تبدیل می‌شوند. مشارکت‌کننده ۳۳ می‌گوید: «تو خونه ما، بعد از هر مراسم تولد یا دوره‌می‌های ساده، رقص کردی داریم ... همسر هم با وجود اینکه کرد نیست، کاملاً پایه‌اس.» **بازتعریف ارزش‌های فرهنگی:** مواجهه با تفاوت‌های ارزشی، محرکی برای بازاندیشی و تحول در الگوهای رابطه می‌شود. مشارکت‌کننده ۲۷ می‌گوید: «من تو خانواده‌ای بزرگ شدم که مردسالاری به چیز عادی بود ... ولی اون هنوز باور نمی‌کنه که تغییر کردم و انگار اجازه نمی‌ده این تغییر دیده بشه.»

بازنمایی فرهنگی در زندگی روزمره: نمادها و اعمال ساده، به وسیله‌ای برای ابراز هویت فرهنگی و ایجاد پیوند معنوی بدل می‌شوند. مشارکت‌کننده ۶ توضیح می‌دهد: «آش برای من فقط به وعده غذایی نیست، به جور پیوند من به فرهنگ خودمه ... همسر هم خیلی دوست داره.»

مذاکره و توافق در مرزهای فرهنگی: مشارکت‌کنندگان از طریق گفت‌وگوی مستمر، محدوده و چگونگی اعمال عناصر فرهنگی را در زندگی مشترک بازتعریف می‌کنند. مشارکت‌کننده ۱ می‌گوید: «تصمیم گرفتیم مهمونی‌های خودمونی رو ساده‌تر برگزار کنیم، اما برای مراسم‌های رسمی‌تر، به سبک خانواده اون‌ها احترام بذاریم.»

ادغام و آفرینش فرهنگی: در نهایت، عناصر متمایز دو فرهنگ در قالبی نوین و یکپارچه ترکیب می‌شوند. مشارکت‌کننده ۳۳ نتیجه می‌گیرد: «من کردم و همسر هم عرب ... حالا تو خونه‌مون هم دلمه درست می‌شه، هم قلیه‌ماهی ... حس می‌کنیم به فرهنگ جدید ساختیم که فقط مال خودمونه.»

در مجموع، این سه فرایند در هم تنیده، تصویری پویا از چگونگی تحول هویت فردی به سوی هویت زوجی مشترک و آفرینش یک روایت زندگی واحد را در بستر چالش‌های فرهنگی ترسیم می‌کنند.

۴) راهبردهای مدیریت تعارضات فرهنگی و تحکیم انسجام هویت زوجی: این مقوله به بررسی شیوه‌های تعاملی و راهبردهای مدیریتی کارآمد می‌پردازد که مشارکت‌کنندگان در مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی اتخاذ کرده‌اند. این راهبردها که در بافت تجربه زیسته و در طول زمان تکامل یافته‌اند، به صورت تدریجی موجب سازگاری، تحول کیفی در ارتباط و در نهایت استقلال و انسجام رابطه زوجی شده‌اند. این مقوله دربرگیرنده چهار زیرمقوله است:

۱.۴. بازاندیشی در مواجهه فرهنگی؛ گذار از شوک به پذیرش آگاهانه: یافته‌ها نشان داد که مشارکت‌کنندگان، فرایندی تدریجی از بازنگری و تحول شناختی نسبت به تفاوت‌های فرهنگی را تجربه می‌کنند که در چهار مرحله متوالی قابل ردیابی است:

شوک فرهنگی و احساس بیگانگی: این مرحله با واکنش‌های روانی- اجتماعی نظیر سردرگمی و تعارض اولیه همراه است. به عنوان نمونه، مشارکت‌کننده ۸ اشاره می‌کند: «... خلاصه خستگی راه و رسوم متفاوت و شوک شدن من، باعث سوءتفاهم شد.»

بازشناسی تفاوت‌های ارتباطی: در این مرحله، مشارکت‌کنندگان با شناسایی نظام‌های متفاوت بیان احساسات و رفتار، به درکی عمیق‌تر از یکدیگر نائل می‌آیند. مشارکت‌کننده ۹ خاطرنشان می‌سازد: «... با شناخت این تفاوت‌ها، یاد گرفتیم چطور بهتر با هم کنار بیایم.»

مواجهه و تعدیل پیش‌فرض‌های فرهنگی: مشارکت‌کنندگان با به چالش کشیدن کلیشه‌ها و تصورات از پیش موجود، زمینه را برای رشد فردی و بین فرهنگی فراهم می‌کنند. مشارکت‌کننده ۶ توضیح می‌دهد: «فکر می‌کردم مثل هم‌شهری‌هاش خسیسه ... اما با دیدن رفتاراش و نحوه خرج کردنش با خودم گفتم واقعاً همه رو نباید به یک چشم دید.»

بازسازی معنایی در رابطه: در این مرحله نهایی، پذیرش تفاوت‌ها به خلق معانی و نقش‌های جدید در چهارچوب رابطه منجر می‌شود. مشارکت‌کننده ۲۶ بیان می‌کند: «... حالا نقش‌هامون رو خودمون تعریف می‌کنیم، نه فرهنگ‌هامون.»

۲.۴. تحول در شیوه‌های تعاملی؛ تکامل رابطه از تدافعی به همدلانه: تحلیل یافته‌ها نشان داد تفاوت‌های فرهنگی، محرکی برای تحولی آگاهانه و تدریجی در سبک‌های ارتباطی مشارکت‌کنندگان بوده است؛ تحولی که مسیر رابطه را از حالت تدافعی و پرتنش به سوی تعاملات همدلانه و سازنده هدایت کرده است. این تحول در سه سطح صورت پذیرفته است:

عبور از سوء تفاهم‌های زبانی و غیر کلامی: این گذار با افزایش سواد فرهنگی و ایجاد فضای امن برای پرسش و توضیح محقق شده است. مشارکت‌کننده ۱۵ مثال می‌زند: «هر وقت برای پدرشورم چای می‌ریختم، می‌گفت "این چای پاسبان دیده!" ... با توضیحات همسرم فهمیدم که خانواده‌اش چای غلیظ دوست دارن.»

اکتساب سبک‌های ارتباطی جدید: مشارکت‌کنندگان از طریق تجربه مستقیم، شیوه‌های جدید بیان و تفسیر را می‌آموزند که به ایجاد سازگاری و کاهش تنش می‌انجامد. مشارکت‌کننده ۵ می‌گوید: «اوایل این تفاوت باعث دلخوری می‌شد، اما کم‌کم یاد گرفتم احساساتمو بیان کنم، اونم یاد گرفتم سکوت منو به عنوان نشونه‌ای از ناراحتی بشناسه.»

شکل‌گیری زبان مشترک احساسی: تعامل مستمر و تلاش دوسویه برای درک، به ایجاد اصطلاحات و نشانه‌های اختصاصی در رابطه منجر می‌شود. مشارکت‌کننده ۲ اشاره می‌کند: «از اون موقع توافق کردیم که هر وقت نیاز به تنهایی و فکر کردن داره، بگه: "می‌رم توی غارم." منم یاد گرفتم که باید بهش فضا بدم.»

۳.۴. پویایی تعارض و سازگاری؛ چرخه رشدزا در روابط بین‌فرهنگی: یافته‌های پژوهش نشان داد که زندگی مشارکت‌کنندگان در بستری از چرخه‌های مکرر تعارض و سازگاری جریان دارد. زوج‌های موفق توانسته‌اند این تعارضات را به فرصت‌هایی برای یادگیری، تعمیق رابطه و شکل‌دهی به هویت زوجی تبدیل کنند. این فرایند پویا در سه مرحله قابل ترسیم است:

برانگیختگی تعارض: تفاوت در ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات اجتماعی، بستر ساز تعارض‌های فرهنگی-روانی می‌شود. مشارکت‌کننده ۲۷ بیان می‌کند: «برای من حجاب با چادر خط قرمزیه ... من نوع پوشش جدیدش رو نمی‌تونم بپذیرم چون برام خیلی مهمه.»

مدیریت از طریق مذاکره و توافق: مشارکت‌کنندگان با به کارگیری مکانیسم‌های چانه‌زنی فرهنگی و جست‌وجوی راه‌حل‌های میانی، به تعادل موقت یا دائم دست می‌یابند. مشارکت‌کننده ۴ مثال می‌زند: «با هم توافق کردیم که روزهای اصلی مناسبت رو خونه پدر همسرم باشیم و روز بعد به خونه پدر من بریم ...»

انعطاف‌پذیری و تحول رابطه: انعطاف‌پذیری روانی، امکان تعدیل نگرش و رفتار را فراهم ساخته و هر دور تعارض- سازگاری را به تجربه‌ای رشدزا بدل می‌کند. مشارکت‌کننده ۲۴ خاطرنشان می‌کند: «هر بار که بحثمون می‌شد، بعدش بیشتر همدیگه رو می‌فهمیدیم ... انگار هر تنش بینمون یه درس داشت.»

این پویایی، ظرفیت منحصربه‌فرد زوج‌های بین‌فرهنگی را برای بهره‌گیری از اختلافات به مثابه بستری برای تحول رابطه، افزایش نزدیکی و نهایتاً شکل‌دهی به هویت زوجی نشان می‌دهد.

۴.۴. مرزگذاری روانی- فرهنگی: تمایز یافتگی و صیانت از هویت زوجی: یافته‌های

پژوهش، در همخوانی با نظریه «سیستم‌های خانواده» بوئن (۱۹۷۸) و مفهوم محوری «تمایز یافتگی» نشان داد، مشارکت‌کنندگان از طریق تعیین و حفظ مرزهای روانی روشن میان خانواده‌های مبدأ و نظام زوجی، به حفظ و تقویت هویت زوجی خود نائل شده‌اند. این فرایند در سه سطح عمل می‌کند:

تعریف مرزهای فردی و فرهنگی: تعیین حدود روانی و رفتاری مشخص، به کاهش تداخل و تعارض کمک شایانی می‌کند. مشارکت‌کننده ۳۰ با بیانی استعاری می‌گوید: «آن‌چه سقف را نگه می‌دارد، مصالح نیست؛ بلکه فاصله درست بین ستون‌هاست ... این فاصله سالم در زندگی مشترک، همان مرز شخصی و فرهنگی است ...»

تلفیق هویت فردی و هویت زوجی: مشارکت‌کنندگان در طی زندگی مشترک آموخته‌اند که چگونه ویژگی‌های هویتی فردی خود را بدون خدشه وارد کردن به کلیت «ما»ی رابطه حفظ کنند. مشارکت‌کننده ۱۲ بیان می‌کند: «هر کدوم از ما هنوز "من" خودش رو داره، بدون اینکه بخواد دیگری رو محدود کنه یا ما بودن رو نقض کنه.»

مرزگذاری در برابر فشارهای برون‌سیستمی: ایجاد مرزهای واضح با خانواده‌ها و فرهنگ‌های مبدأ، نقش محافظتی برای رابطه در برابر انتظارات و فشارهای بیرونی ایفا می‌کند. مشارکت‌کننده ۲۵ شرح می‌دهد: «تصمیم گرفتم بین نظرات آن‌ها و انتخاب شخصی‌ام مرز مشخصی بذارم و محترمانه اما صریح گفتم این زندگی منه و انتخابم رو با آگاهی انجام دادم.»

بحث و نتیجه‌گیری

درآمدی بر تحلیل تفسیری یافته‌ها: هویت زوجی به مثابه یک سفر وجودی

در چارچوب پدیدارشناسی تفسیری، تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان به مثابه سفری وجودی در مسیر شکل‌گیری هویت زوجی قابل فهم است؛ سفری که نه تنها شامل مواجهه با دیگری فرهنگی، بلکه دربرگیرنده مواجهه با خویشتن در حال تحول نیز هست. این فرایند، ساختاری زمینه‌مند دارد و هویت زوجی در آن به عنوان «شدنی پویا» و «رویدادی در حال تکوین» تجربه می‌شود.

تحلیل روان‌شناختی مقوله‌ها نشان داد که زوجها در مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی، از طریق گفت‌وگوی دیالکتیکی، بازسازی روایت زندگی، خلق زبان مشترک و مرزگذاری روانی، موفق به ساختن جهان زیست مشترک شده‌اند. این تجربه در پنج مضمون کلیدی قابل تفسیر است:

۱. **تعلیق و گذار روانی:** زوجها در مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی، از «خود آشنا» به سوی «دیگری ناآشنا» حرکت کرده‌اند؛ فرایندی که با مفهوم «پرتاب‌شدگی» هایدگر (۱۹۶۲) هم‌راستا بوده و به بازتعریف خویش‌منجی منجر شده است.

۲. **بدن‌مندی فرهنگی:** تفاوت‌ها نه‌تنها در سطح شناختی، بلکه در سطح حسی و پیش‌بازتابی تجربه شده‌اند؛ حرکات، آیین‌ها و زبان بدن حامل معناهای فرهنگی بوده‌اند که در تعامل زوجی زیسته شده‌اند (مرلو-پونتی، ۱۹۴۵).

۳. **گفت‌وگوی افق‌ها:** معناهای مشترک از طریق گفت‌وگوی دیالکتیکی میان افق‌های فرهنگی زوجها شکل گرفته‌اند؛ فرایندی که مستلزم گشودگی روانی و آمادگی برای به‌پرسش‌گیری پیش‌داوری‌ها بوده است (گادامر، ۱۹۷۵).

۴. **مرز و مرزبانی و حاشیه‌نشینی خلاق:** تجربه حاشیه‌نشینی فرهنگی، با دواپارگی هویتی همراه بوده، اما در مواردی به بستری برای نقد فرهنگی و بازآفرینی زیست‌جهان تبدیل شده است (آنزالدو، ۱۹۸۷)؛ (بهاپها، ۱۹۹۴).

۵. **امید و امکان وجودی:** امید به‌مثابه آگاهی از امکان، در روایت‌های زوجها حضور داشته و به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای گذار هویتی و خلق زیست‌جهان مشترک عمل کرده است. (بلوخ، ۱۹۵۹).

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که هویت زوجی در روابط بین‌فرهنگی، نه‌تنها تحت تأثیر تفاوت‌ها، بلکه در تعامل فعال با آن‌ها شکل می‌گیرد. این فرایند، نشان‌دهنده ظرفیت انسان برای عبور از مرزهای فرهنگی و آفرینش اشکال نوین هم‌بودگی است (هابرماس، ۱۹۸۱).

تحلیل تفسیری مقوله‌ها در پرتو نظریه‌ها و مطالعات اخیر

۱. **مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی:** این مقوله بستر چالش‌برانگیز شکل‌گیری هویت زوجی را ترسیم می‌کند. یافته‌ها نشان داد که زندگی در پیوند بین‌فرهنگی، مستلزم گفت‌وگویی مداوم در عرصه‌های به هم‌پیوسته است:

در سطح ساختارهای نمادین، مناسک آیینی مانند ازدواج، تولد یا سوگواری، تفاوت‌های فرهنگی را برجسته کرده و به عرصه‌ای برای رقابت بر سر تعریف تعلق و تبار تبدیل می‌شوند

(فالکونیر و کوهن، ۲۰۱۹)، در حالی که در سطح روزمره، تفاوت در غذا، پوشش و مهمان‌پذیری به‌صورت تدریجی کیفیت رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حوزه پیوندهای اعتقادی، ناهمسانی در باورهای بنیادین و شیوه‌های زیست، چالش‌هایی عمیق در هسته هویت ایجاد می‌کند (جک، ۱۹۹۱)؛ چنان‌که مشارکت‌کننده ۷ از «زخم هویتی» و «قطع ارتباط با بخش وجودی خویش» سخن می‌گوید. در عرصه ارتباطی، تفاوت در زبان بدن، سبک‌های تنظیم هیجان و واژگان تفسیرپذیر، نشان‌دهنده فقدان «دستور زبان تعاملی» مشترک میان زوجین است (هال، ۱۹۶۶). همچنین فشارهای اجتماعی و خانوادگی، رابطه زوجین را در میدان نیروهای بیرونی قرار می‌دهد که در قالب روابط قدرت، برچسب‌زنی و کنترل سبک زندگی نمود می‌یابد (تاجفل و ترنر، ۱۹۷۹)؛ چنان‌که مشارکت‌کننده ۱۵ اظهار می‌کند: «هنوز هم غریبه‌ام».

یافته‌ها نشان دادند که مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی از جمله زبان، آیین‌ها، باورهای دینی و فشارهای اجتماعی، گاه منجر به سردرگمی، تعارض و احساس بیگانگی شده‌اند، اما در مواردی نیز به منبعی برای رشد فردی، گسترش افق‌های شناختی و افزایش همدلی بین‌فرهنگی تبدیل شده‌اند. این تجربه با نظریه سازگاری بین‌فرهنگی بری (۱۹۹۷) و مفهوم «رویداد هرمنوتیکی» در اندیشه هایدگر (۱۹۶۲) هم‌راستاست. همچنین، یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعاتی هم‌خوانی دارد که بر نقش مثبت گفت‌وگو، انعطاف‌پذیری و یادگیری متقابل در ارتقای کیفیت رابطه زوجی در بستر تفاوت‌های فرهنگی تأکید کرده‌اند (فانوسکا و همکاران، ۲۰۲۰؛ سشاردی و گوتیرز، ۲۰۲۴؛ لیو و همکاران، ۲۰۲۴). افول و همکاران (۲۰۱۵) نیز تأیید می‌کنند که تفاوت‌های فرهنگی می‌توانند زمینه‌ساز بازسازی هویت زوجی باشند.

نکته کلیدی که این پژوهش بر آن تأکید دارد، درهم‌تنیدگی ابعاد مختلف تجربه زوجی است به طور مثال یک تعارض به ظاهر ساده در نحوه مهمان‌پذیری می‌تواند ریشه در تفاوت‌های اعتقادی درباره مفهوم خانواده داشته باشد، از طریق سبک ارتباطی غیرمستقیم تشدید شود و در نهایت تحت تأثیر فشارهای خانوادگی قرار گیرد. این یافته، لزوم نگاهی سیستمی و کل‌نگر به چالش‌های زوج‌های بین‌فرهنگی را در مشاوره و زوج‌درمانی برجسته می‌سازد؛ نگاهی که تفاوت‌ها را نه تهدید، بلکه فرصتی برای بازسازی رابطه و خلق معنای مشترک تلقی می‌کند.

۲. پدیداری هویت زوجی سیال: این مقوله نشان داد که هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی، نه یک وضعیت ایستا یا ازپیش تعیین‌شده، بلکه فرایندی پویا، سیال و زمینه‌مند است که در پاسخ به چالش‌های نمادین، اعتقادی، ارتباطی و اجتماعی شکل می‌گیرد؛ جایی که تفاوت‌ها نه تهدید، بلکه مواد اولیه‌ای برای آفرینش هویت‌های سیال و تاب‌آور تلقی می‌شوند. در این بافت، هویت زوجی یک «پروژه ناتمام» است که در سه عرصه ساختاری-فرایندی، تجربه

زیسته و عملکردی-نقشی پدیدار می‌شود و در بستر گفت‌وگو، مذاکره و تلفیق مداوم معناهای فرهنگی تداوم می‌یابد. زوجها در میدانی از تعلقات چندگانه قرار دارند (تاجفل و ترنر، ۱۹۸۶) و «ما»ی مشترک آنان حاصل تلاش برای خلق معنا در فضای بینابینی است؛ فضایی که مشارکت‌کننده ۵ آن را خانه‌ای «نه فقط ترکمنه، نه فقط شمالیه، نه چیزی بین این دو» توصیف می‌کند و مصداقی از «فضای سوم» به تعبیر بهابها (۱۹۹۴) است. این فرایند، ماهیتی روایی و تعاملی دارد (احمد و همکاران، ۲۰۱۷) و مستلزم گذار از چارچوب خودمحور به رابطه‌محور است؛ همان‌گونه که مشارکت‌کننده ۲۵ به «لحاظ کردن» نظر همسر اشاره می‌کند. با این حال، مسیر شکل‌گیری هویت زوجی همواره هموار نیست و احساس «گیر کردن میان دو دنیای فرهنگی و عدم تعلق» (مشارکت‌کننده ۲۴) یا «سردرگمی هویتی» (بری، ۱۹۹۷) می‌تواند ناشی از طرد اجتماعی یا مقاومت در برابر ادغام باشد. این وضعیت، زوجین را در موقعیت «مرزننشینی» (آنزالدوا، ۱۹۸۷) قرار می‌دهد که در آن، مدیریت «هویت موقعیتی» (گافمن، ۱۹۵۹) به ضرورتی روزمره بدل می‌شود. در این میان، کیفیت گفت‌وگو، میزان انعطاف‌پذیری روانی و توانایی خلق معناهای مشترک، تعیین‌کننده نوع هویت زوجی حاصل از این فرایند است؛ خواه به‌صورت هویت ترکیبی منسجم، هویت چندلایه منعطف یا هویت مناقشه‌برانگیز. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که ازدواج بین‌فرهنگی می‌تواند نه تنها یک رابطه، بلکه یک کارگاه انسان‌ساز باشد؛ جایی که فرد با عبور از مرزهای هویتی خویش و مشارکت فعال با دیگری، به خلق شکل‌های نوینی از «بودن-در-جهان» دست می‌یابد. این تجربه چندهویتی با مفاهیم «مرز و مرزننشینی» (آنزالدوا، ۱۹۸۷) و «فضای سوم» (بهابها، ۱۹۹۴) قابل تحلیل است و با یافته‌های مطالعاتی همچون یامپولسکی و همکاران (۲۰۲۰)، احمد و همکاران (۲۰۱۷)، کومار و سینگ (۲۰۲۰) و امری و همکاران (۲۰۲۱) هم‌راستا است که بر نقش تعامل، روایت‌سازی و انعطاف‌پذیری در پدیداری هویت زوجی تأکید دارند.

۳. تحول در هویت زوجی و خلق روایت مشترک: بر اساس یافته‌های این پژوهش، مقوله تحول در هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی، یک فرایند فعال روایت‌سازی و معناسازی است که در پاسخ به چالش‌های فرهنگی شناسایی شده در مقوله نخست، به خلق زیست‌جهان مشترک زوجی منجر می‌شود.

این فرایند در سه عرصه درهم‌تنیده رخ می‌دهد: در عرصه زمانی-روایی، زوجین با بازتفسیر خاطرات مشترک، روایتی از تاب‌آوری و رشد می‌سازند؛ در عرصه ارتباطی-نمادین، با ابداع «زبان نمادین خصوصی»، بر موانع زبانی و فرهنگی غلبه می‌کنند؛ و در عرصه محتوایی- هویتی، با تلفیق خلاقانه نمادها و ارزش‌ها، به خلق هویتی ترکیبی و منحصربه‌فرد دست می‌زنند. این فرایند

با نظریه «ادغام افق‌ها»ی گادامر (۱۹۷۵) هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد که زندگی در مرزهای فرهنگی می‌تواند بستری برای خلق فرهنگ رابطه‌ای سوم باشد (کیلیان، ۲۰۱۳). این یافته بر اهمیت تمرکز مداخلات روان‌شناختی بر تسهیل فرایند «روایت‌سازی مشترک» و تقویت توانایی زوجین برای خلق نمادها و مناسک مشترک تأکید می‌کند. مطابق با نظریه دلبستگی (بالبی، ۱۹۸۸)، ایجاد پیوندهای ایمن نیازمند روایت‌های مشترک و احساس امنیت است؛ زوج‌ها از طریق ترکیب نمادهای فرهنگی، زبان مشترک و آیین‌های تلفیقی، موفق به خلق چنین روایتی شده‌اند. این فرایند با مطالعات شیرینزی (۲۰۲۲) درباره نقش تعاملات صمیمانه در رضایت زوجی، و پژوهش‌های چیمپن-لوپز و همکاران (۲۰۲۱)، فالکوو (۲۰۱۴)، کیلیان (۲۰۱۳)، استپکوفسکا (۲۰۲۱) و مایر (۲۰۲۳) هم‌راستا است که همگی بر سازوکارهای خلق روایت مشترک، مناسک نوین و فرهنگ رابطه‌ای منحصر به فرد در روابط بین‌فرهنگی تأکید دارند.

۴. راهبردهای مدیریت تعارض و تحکیم انسجام هویت زوجی: بر اساس یافته‌های این پژوهش تحول هویت زوجی در ازدواج‌های بین‌فرهنگی از یک «چرخه هرمنوتیکی توسعه‌یافته» تبعیت می‌کند (گادامر، ۱۹۷۵)؛ چرخه‌ای که در چهار عرصه به هم پیوسته ادراکی-شناختی، ارتباطی-عملی، ستیزش-سازش و هویتی-مرزی جریان دارد و به جای حرکت خطی، در قالب مارپیچی پویا از مواجهه، درک، مذاکره و بازسازی عمل می‌کند. این مقوله نشان می‌دهد، موفقیت زوجین در این مسیر، وابسته به توسعه مجموعه‌ای از راهبردهای به هم پیوسته است: از بازسازی شناختی و عبور از شوک فرهنگی و کلیشه‌ها (برگر و کلنر، ۱۹۶۴)، تا خلق زمینه ارتباطی مشترک از طریق ابداع زبان رمزی شخصی (واتزلویک و همکاران، ۱۹۶۷)، سازش فعال در مواجهه با تعارض‌های هویتی (فالکونیر و کوهن، ۲۰۱۹)، و مرزگذاری هوشمند برای حفظ تعادل میان «من» و «ما» در برابر مداخلات بیرونی (مینوچین، ۱۹۷۴؛ والش، ۲۰۱۶). این راهبردها در عمل، تجلی «عقلانیت ارتباطی» در سطح خرد روابط زوجی هستند (هابرماس، ۱۹۸۱) و شواهد تجربی نیز مؤید آن‌اند؛ از جمله مطالعات فالکونیر و همکاران (۲۰۱۵) و سو (۲۰۲۳) که بر نقش کنش ارتباطی سازنده و انعطاف‌پذیری روانی در تبدیل تفاوت به فرصت تأکید دارند.

۵. واکاوی تضادها و زمینه‌یابی یافته‌ها: اگرچه یافته‌های حاضر با حجم گسترده‌ای از پژوهش‌ها هم‌سو است، اما واکاوی زمینه‌ای این هم‌خوانی حائز اهمیت است. این پژوهش بر پتانسیل تحول‌آفرین و عاملیت زوج‌ها در خلق روایت مشترک تأکید دارد. با این حال، باید به خاطر داشت که این فرایند همواره به نتیجه‌ای مثبت منجر نمی‌شود. برای مثال، پژوهش‌هایی مانند یامپولسکی و همکاران (۲۰۲۰) و نیز حسنی و همکاران (۲۰۲۳) به وضوح نشان داده‌اند که طرد اجتماعی ممکن است فرایند ادغام هویت را به شدت مختل کند. به‌طور مشابه، مطالعه

(ژانگ و وان‌هوک، ۲۰۰۹) بر نرخ بالاتر طلاق در زوج‌های بین‌فرهنگی اشاره دارد. این ناهمسانی را می‌توان نه به عنوان رد یافته‌ها، بلکه در چهارچوب مفهوم زمینه‌مندی تفسیر کرد. به عبارتی، نتیجه فرایند شکل‌گیری هویت زوجی محصول پیچیده تعامل بین عاملیت زوجها و ساختارهای اجتماعی (مانند تبعیض، طرد، یا حمایت) است. یافته‌های پژوهش حاضر شرایطی را توصیف می‌کند که در آن زوجها تا حدی توانسته‌اند بر موانع ساختاری غلبه کنند یا در بافتی نسبتاً مساعدتر به خلق معنا بپردازند.

پیامدهای نظری و عملی

این پژوهش با تمرکز بر تجربه زیسته زوج‌های بین‌فرهنگی، تلاش کرده است تا در مسیر ارتقای دانش بومی در زمینه هویت زوجی، گامی هرچند کوچک اما هدفمند بردارد. بر اساس یافته‌ها، هویت زوجی در چنین روابطی برساخته از دل تعاملات روزمره، مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی، خلق روایت مشترک و عبور از نقاط عطف زندگی است. این درک زمینه‌ای، امکان بازخوانی نظریه‌های هویت اجتماعی را در بستر رابطه زوجی فراهم کرده و به غنی‌سازی مفاهیم مرتبط با تحول هویت زوجی در بافت‌های چندفرهنگی کمک کرده است.

پیامدهای عملی این پژوهش نیز در قالب پیشنهادهایی کاربردی و زمینه‌مند قابل طرح‌اند؛ از جمله بهره‌گیری از روایت‌درمانی برای بازتعریف هویت زوجی، خلق مناسک تلفیقی برای تقویت انسجام رابطه، آموزش مهارت‌های گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و راهبردهای حل تعارض، و طراحی کارگاه‌هایی آموزشی برای ارتقای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی زوجها. همچنین غنی‌سازی مشاوره پیش از ازدواج با مباحث فرهنگی و آموزش تخصصی درمانگران برای افزایش صلاحیت فرهنگی، از دیگر کاربردهای این مطالعه است. در سطح سیاست‌گذاری، یافته‌ها می‌توانند در طراحی برنامه‌های حمایتی متناسب با بافت فرهنگی ایران، مانند ایجاد مراکز مشاوره رایگان و شبکه‌های تبادل تجربه میان زوج‌های بین‌فرهنگی، مورد توجه قرار گیرند.

با این حال، با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، این پیشنهادها باید با احتیاط و تنها در بافت‌های مشابه و به صورت انتقال‌پذیر به کار گرفته شوند.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهشی

این پژوهش با وجود دستاوردهای ارزشمند، از محدودیت‌هایی برخوردار بود که زمینه را برای مطالعات آینده فراهم می‌سازد. محدودیت نمونه‌گیری به شهر تهران و ماهیت کیفی مطالعه،

امکان تعمیم‌پذیری گسترده نتایج را محدود می‌سازد. در راستای توسعه این حوزه پژوهشی، انجام مطالعات طولی برای بررسی تحول هویت زوجی در گذر زمان، اجرای پژوهش‌های تطبیقی با رویکرد پدیدارشناسی تطبیقی در بافت‌های فرهنگی مختلف و همچنین بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای مانند حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و سرمایه فرهنگی با به کارگیری روش‌های ترکیبی پیشنهاد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با اتکا به واکاوی تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان، فرایند تکوین هویت زوجی را به منزله یک سفر هرمنوتیکی تحلیل می‌کند؛ سفری که از «بیگانگی فرهنگی» آغاز شده و با گذر از مراحل گفت‌وگو، تلفیق تدریجی و بازتعریف روایی، به «هم‌زیستی معنا ساز» می‌انجامد. یافته‌های این مطالعه مؤید آن است که هویت زوجی در این بافت، نه امری ایستا یا از پیش تعیین‌شده، بلکه دستاوردی ارتباطی است که بر پایه انعطاف‌پذیری روانی، گفت‌وگوی مستمر و ظرفیت بازاندیشی در خود و دیگری شکل می‌گیرد. نقطه‌ای اوج این فرایند، خلق «فضای سوم» (به‌پایه‌ها، ۱۹۹۴) است، عرصه‌ای یگانه که حاصل کنش فعال همسران در معناسازی و تعدیل مرزهای فرهنگی خویش است. در این مسیر، تفاوت‌های فرهنگی نقشی دوگانه ایفا می‌کنند: از سویی می‌توانند منشا تعارض و تنش باشند و از سوی دیگر بستری برای رشد رابطه‌ای، یادگیری متقابل و تقویت تاب‌آوری. کیفیت این تجربه گذار تا حد زیادی به میزان عاملیت زوج‌ها در خلق معنا و نیز عوامل زمینه‌ای مانند حمایت‌های خانوادگی وابسته است.

در مجموع، این مطالعه تأکید می‌کند که موفقیت پیوندهای بین‌فرهنگی نه در حذف یا نادیده‌انگاری تفاوت‌ها بلکه در توانایی ساختن روایتی مشترک از درون همین تفاوت‌ها نهفته است. روایتی که می‌تواند بستر رشد فردی و رابطه‌ای باشد.

بر این اساس، پژوهش حاضر علاوه بر کمک به غنای ادبیات نظری بومی در حوزه ازدواج‌های بین‌فرهنگی، بر اهمیت مداخلات مشاوره‌ای مبتنی بر تقویت مهارت‌های گفت‌وگو، ارتقای سواد فرهنگی و حمایت از روایت‌سازی مشترک تأکید دارد.

موازین اخلاقی

این پژوهش با رعایت کامل اصول اخلاقی انجام شد. کلیه مشارکت‌کنندگان پیش از آغاز مطالعه، رضایت آگاهانه و کتبی خود را اعلام نمودند. اصل رازداری با به کارگیری شناسه‌های عددی برای

اشاره به مشارکت‌کنندگان و محرمانه نگهداشتن اطلاعات آنان رعایت شد. همچنین به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که در هر مرحله از پژوهش امکان خروج از مطالعه را دارند. این پژوهش پس از بررسی و تأیید کمیته اخلاق دانشگاه خوارزمی، مجوز به شماره ثبت IR.KHU.REC.1402.076 را دریافت کرده است.

مشارکت نویسندگان

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول پژوهش است و سایر نویسندگان به ترتیب استاد راهنما (نویسنده مسئول) و اساتید مشاور اول و دوم، همگی نقش یکسانی در مراحل پژوهش داشتند.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ نوع تضاد منافعی در رابطه با این پژوهش ندارند و این مقاله بدون حامی مالی نگاشته شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان مراتب سپاسگزاری خود را از تمامی مشارکت‌کنندگان محترم، ابراز می‌دارند.

References

- Afshani, A., & Yousefi, N. (2024). Validation of We-ness questionnaire in Iranian married people. *Family Research*, 20(1), 24–39. [\[Link\]](#)
- Afful, S. E., Wohlford, C., & Stoelting, S. M. (2015). Beyond “difference”: Examining the process and flexibility of racial identity in interracial marriages. *Social Issues*, 71(4), 659–674. [\[Link\]](#)
- Agnew, C. R., Van Lange, P. A. M., Rusbult, C. E., & Langston, C. A. (1998). Cognitive interdependence: Commitment and the mental representation of close relationships. *Personality and Social Psychology*, 74(4), 939–954. [\[Link\]](#)
- Ahmad, S., Fergus, K., Shatokhina, K., Gardner, S. (2017). The closer 'We' are, the stronger 'I' am: the impact of couple identity on cancer coping self-efficacy. *J Behav Med*. 2017 Jun;40(3):403-413. [\[Link\]](#)
- Anzaldúa, G. (1987). *Borderlands/La Frontera: The new mestiza*. Aunt Lute Books.

- Aron, A., & Aron, E. N. (1996). Self and self-expansion in relationships. In G. J. O. Fletcher & J. Fitness (Eds.), *Knowledge structures in close relationships: A social psychological approach* (pp. 325–344). Psychology Press.
- Benet-Martínez, V., & Haritatos, J. (2005). Bicultural identity integration (BII): Components and psychosocial antecedents. *Personality*, 73(4), 1015–1050. [\[Link\]](#)
- Bhabha, H. K. (1994). *The location of culture*. Routledge. [\[Link\]](#)
- Birman, D., Trickett, E. J., & Buchanan, R. M. (2005). A tale of two cities: Replication of a study on the acculturation and adaptation of immigrant adolescents from the former Soviet Union in a different community context. *Community Psychology*, 35(1-2), 83–101. [\[Link\]](#)
- Bradshaw, C., Atkinson, S., & Doody, O. (2017). Employing a qualitative description approach in health care research. *Global Qualitative Nursing Research*, 4, 1–8. [\[Link\]](#)
- Chimpén-López, C. A., Pacheco, M., Pretel-Luque, T., Bastón, R., & Chimpén-Sagrado, D. (2021). The couple's tree of life: Promoting and protecting relational identity. *Family Process*, 61(3), 1403–1416. [\[Link\]](#)
- Croucher, S. M., & Kramer, E. (2016). Cultural fusion theory: An alternative to acculturation. *International and Intercultural Communication*, 12(2), 97–114. [\[Link\]](#)
- Daniel, S. (2024). Negotiating the challenges of an interracial marriage: An interpretive phenomenological analysis of the perception of diaspora Indian partners. *Family Relations*, 73(1), 282–297. [\[Link\]](#)
- Emery, L. F., Gardner, W. L., Carswell, K. L., & Finkel, E. J. (2021). Who are "we"? Couple identity clarity and romantic relationship commitment. *Pers Soc Psychol Bull*, 47(1), 146-160. [\[Link\]](#)
- Falconier, M. K., Jackson, J. B., Hilpert, P., & Bodenmann, G. (2015). Dyadic coping and relationship satisfaction: A meta-analysis. *Clinical Psychology Review*, 42, 28–46. [\[Link\]](#)
- Falicov, C. J. (2014). *Latino families in therapy* (2nd ed.). Guilford Press.
- Fonseca, A. L., Ye, T., Koyama, J., Curran, M., & Butler, E. A. (2020). A theoretical model for understanding relationship functioning in intercultural romantic couples. *Personal Relationships*, 27(4), 760-784. [\[Link\]](#)
- Gadamer, H.-G. (1975). *Truth and method* (2nd rev. ed.). Continuum.
- Gaines Jr, S. O., Clark, E. M., & Afful, S. E. (2015). Interethnic marriage in the United States: An introduction. *Social Issues*, 71(4), 647-658. [\[Link\]](#)
- Habermas, J. (1981). *The theory of communicative action*, Vol. 1: Reason and the rationalization of society. Beacon Press.

- Hassani, M., Shirdel, A., & Hamikaragar, F. (2023). Religious heterogamy and family challenges: A grounded theory study of couples in Sistan and Baluchestan Province. *Applied Sociology*, 34(3), 43–64.
- Heidegger, M. (1962). *Being and time* (J. Macquarrie & E. Robinson, Trans.). Harper & Row.
- Hickman-Evans, C., Higgins, J. P., Aller, T. B., Chavez, J., & Piercy, K. W. (2017). Newlywed couple leisure: Couple identity formation through leisure time. *Marriage & Family Review*, 54(2), 105–127. [\[Link\]](#)
- Huang, J., Zhang, J., & Yu, N. X. (2019). Couple identity and well-being in Chinese HIV serodiscordant couples: Resilience under the risk of stigma. *AIDS Care*, 30(sup5), S58–S66. [\[Link\]](#)
- Karandashev, V. (2017). *Romantic love in cultural contexts*. Springer International Publishing.
- Kashdan, T. B., & Rottenberg, J. (2010). Psychological flexibility as a fundamental aspect of health. *Clinical Psychology Review*, 30(7), 865–878. [\[Link\]](#)
- Killian, K. D. (2013). *Intercultural couples: Exploring diversity in intimate relationships*. Routledge. [\[Link\]](#)
- Killian, K. D. (2015). Couple therapy and intercultural relationships. In A. S. Gurman, J. L. Lebow, & D. K. Snyder (Eds.), *Clinical handbook of couple therapy* (5th ed., pp. 512–528). Guilford Press.
- Krefting, L. (1991). Rigor in qualitative research: The assessment of trustworthiness. *American journal of occupational therapy*, 45(3), 214–222. [\[Link\]](#)
- Kumar, R. M., & Singh, R. M. (2022). Couple identity in Indian arranged marriages: Perceived partner responsiveness as the mediator of attachment styles and couple identity. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*. [\[Link\]](#)
- Levinas, E. (1969). *Totality and infinity: An essay on exteriority* (A. Lingis, Trans.). Duquesne University Press.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. SAGE. [\[Link\]](#)
- Liu, R. W., Fanari, A., & Lee, D. G. (2024). Love better by fighting smarter: How intercultural couples develop dyadic cultural affinity through romantic conflict management. *Intercultural Relations*, 100, Article 101987. [\[Link\]](#)
- Livermore, D. (2020). *Cultural intelligence: The essential intelligence for the 21st century*. Baker Books.
- Machette, A. T., & Cionea, I. A. (2023). In-laws, communication, and other frustrations: The challenges of intercultural marriages. *Interpersona: Personal Relationships*, 17(1), 1–18. [\[Link\]](#)

- Maskin, R. M. (2024). *Intersections of culture and romantic relationships: A thematic analysis of college students' inter-identity romantic relationships*. Doctoral dissertation, University of Tennessee
- Mayer, C. H. (2023). Challenges and coping of couples in intercultural romantic love relationships. *International Review of Psychiatry*, 35(1), 4-15. [[Link](#)]
- Merleau-Ponty, M. (1945). *Phénoménologie de la perception*. Gallimard.
- Merrill, A. F., & Afifi, T. D. (2017). Couple identity gaps, the management of conflict, and biological and self-reported stress in romantic relationships. *Human Communication Research*, 43(3), 363–396. [[Link](#)]
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change* (2nd ed.). Guilford Press. [[Link](#)]
- Mirkazem N S, Esmaeili M, dehdast K. (2024). Couple identity patterns of Tehrani women: A qualitative study. *Psychological Science*, 23(140), 87-105. [[Link](#)]
- Novara, C., Serio, C., Lavanco, G., Schirinz, M., & Moscato, G. (2020). Identity, couple and intergroup dynamics in intercultural families: Implications on life satisfaction of partners. *Family Process*, 59(2), 709–724. [[Link](#)]
- O'Toole, M. (2019). The impact of cultural factors on attachment dynamics: a view from Irish society. *Attachment*, 13(2), 207-223. [[Link](#)]
- RaghuNandan, S., & Moodley, R. (2024). The lived experiences of interracial couples: Racialized experiences, reconciling differences, and engendered strengths. *Couple & Relationship Therapy*, 23(4), 305–332. [[Link](#)]
- Rahmati, B., Farahbakhsh, K., Motamedi, A., & Borjali, A. (2020). The pattern of “Weness” evolution in successful couples based on grounded theory. *Counseling and Psychotherapy*, 19(75), 252–289. [[Link](#)]
- Schwartz, S. H., & Rubel-Lifschitz, T. (2009). Gender differences in value priorities: Cross-cultural and multimethod studies. *Personality and Social Psychology*, 97(1), 171–186. [[Link](#)]
- Seshadri, G., & Gutierrez, D. (2024). *Interracial, intercultural, and interfaith couples and families across the life cycle: A clinician's guide*. Springer International Publishing. [[Link](#)]
- Seshadri, G., & Knudson-Martin, C. (2013). How couples manage interracial and intercultural differences: Implications for clinical practice. *Marital and Family Therapy*, 39(1), 43–58. [[Link](#)]
- Sirari, T. (2022). *Interracial intimacy: How mixed couples negotiate and narrate their identity and experience*. Doctoral dissertation, University of British Columbia.

- Smith, J. A., Flowers, P., & Larkin, M. (2009). *Interpretative phenomenological analysis: Theory, method and research*. SAGE.
- Stepkowska, A. (2021). Identity in the bilingual couple: Attitudes to language and culture. *Open Linguistics*, 7(1), 223–234. [[Link](#)]
- Su, T. (2023). Challenges and stressors in intimate intercultural relationships: A systematic research synthesis. *Personal Relationships*, 30(2), 379–398. [[Link](#)]
- Ting-Toomey, S., & Dorjee, T. (201۸). *Communicating across cultures* (2nd ed.). Guilford Press.
- Uhlich, M., Luginbuehl, T., & Schoebi, D. (2022). Cultural diversity within couples: Risk or chance? A meta-analytic review of relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 29(1), 120–145. [[Link](#)]
- Walsh, C. M., & Neff, L. A. (2018). We're better when we blend: The benefits of couple identity fusion. *Self and Identity*, 17(5), 587–603. [[Link](#)]
- Zamanifar, L. (2016). *Factors influencing marital identity* (Master's thesis, Family Therapy Psychology, Family Research Institute, Shahid Beheshti University).
- Zhang, Y., & Van Hook, J. (2009). Marital dissolution among interracial couples. *Marriage and Family*, 71(1), 95–107. [[Link](#)]
- Zolfi, A. (2024). Identifying challenges and coping strategies in intercultural marriages. the University of Allameh Tabatabai.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی